

## دکتر جورج پیتون، ترجمه کتاب مقدس، جلسه ۴، مراحل ترجمه

جورج پیتون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر جورج پیتون در تدریسش در مورد ترجمه کتاب مقدس است. این جلسه چهارم، مراحل ترجمه است.

در این سخنرانی، می‌خواهم تصویر کلی از فرآیند ترجمه و اینکه چگونه است، مراحل مختلف چیستند، در هر یک از مراحل مختلف چه کاری انجام می‌شود را بررسی کنم تا بتوانیم تصویر کلی از کل فرآیند داشته باشیم و سپس می‌توانیم در سخنرانی‌های دیگر به موارد خاص‌تری بپردازیم.

بنابراین، اول از همه، ویژگی‌های یک ترجمه خوب را به خاطر داشته باشید. چهار ویژگی عبارتند از دقیق، طبیعی، بخشید، دقیق، و بدون اضافه کردن اطلاعات جدید. گاهی اوقات لازم است در صورت نیاز اطلاعات ضمنی اضافه کنیم، اما این به معنای اضافه کردن اطلاعات به متن نیست.

هیچ چیزی که باید آنجا باشد حذف نشده است. ما نمی‌توانیم بی‌جهت بگوییم، خب، من فکر نمی‌کنم که این لازم باشد، و آن را حذف کنیم. ما آزادی انجام این کار را نداریم.

و همچنین، هیچ چیز تغییر نکرده است. هیچ چیز تغییر نکرده است. دوم اینکه، ما از زبان عادی و طبیعی استفاده می‌کنیم.

است. تمیز safi به معنی تمیز است، اما می‌توان گفت که این ترجمه safi، زیباست، و کلمه در زبان سواحیلی است. قشنگ به نظر می‌رسد.

عالی است. به وضوح قابل فهم است، و این جنبه بسیار مهمی است، زیرا اگر ما به جایی که کسی بفهمد ارتباط برقرار نکرده باشیم، آیا کارمان را انجام داده‌ایم؟ و مورد چهارم برای خواننده قابل فهم است. و فقط به عنوان مثال، در زبان سواحیلی، ما دو کلمه داریم که هر دو به معنای داستان هستند.

حدیثی وجود دارد و حباری هم هست. بنابراین، اگر بگویید این حدیثی از عیسی است، باید فکر کنید، خب این کلمه در زبان سواحیلی به چه معناست؟ و حدیثی معمولاً به داستان تخیلی اشاره دارد. بنابراین، اگر بگویید این حدیثی درباره عیسی است، چیزی است که واقعاً اتفاق نیفتاده است.

به Hadisi، بنابراین، باید مراقب باشیم. آیا این ترجمه قابل قبولی خواهد بود؟ و اگر فقط فکر کنیم، خب استفاده می‌کنیم، درست باشد، آیا واقعاً story معنی داستان است، داستان باید هر جا که از کلمه انگلیسی قابل قبول خواهد بود؟ آیا این ترجمه، سطح جدیدی را که ما در مورد کتاب‌های مقدس می‌خواهیم، منتقل به معنی خبر است habari می‌کند؟ پیشنهاد من این است که نه، اینطور نیست. و بنابراین، کلمه

بنابراین، شما کلمه «حباری» را در روزنامه می‌خوانید، در تلویزیون می‌بینید، یا از رادیو می‌شنوید، و همچنین وقتی کسی را می‌بینید، به او «حباری» می‌گویید. به عبارت دیگر، «خبرتان چیست؟» یا «حالتان چطور است؟» بنابراین، واقعاً مهم است که از همان ابتدا این را واضح بیان کنیم تا نادرست نباشد و آنها را به سمت برداشت اشتباه سوق ندهد. و ما باید در این مورد بسیار مراقب باشیم.

و این یک مثال است، فقط یک کلمه در زبان سواحیلی که می‌تواند برداشت یک شخص را از کتاب مقدسی که می‌خوانند تغییر دهد. خب، آیا این حدیث ابراهیم است؟ یعنی ابراهیم هرگز وجود نداشته است. خب، یا آن رویدادی که گفته می‌شود واقعاً اتفاق نیفتاده است

خب، وقتی گفتیم، خب، اینها ویژگی‌های ترجمه خوب ما هستند، حالا چطور می‌توانیم آنها را در عمل به کار ببریم؟ خب، مراحل ترجمه بدیهی است که اولین قدم تفسیر متن است. بنابراین، ما درکی از متن ایجاد می‌کنیم.

اغلب اوقات، ما در یک تیم ترجمه دور هم می‌نشینیم و در مورد معنا صحبت می‌کنیم و سپس ایده‌ای از هدف متن به دست می‌آوریم. و معنا را درونی می‌کنیم و سپس یک پیش‌نویس اولیه تهیه می‌کنیم. و آن پیش‌نویس اولیه، اولین تلاش برای بیان این موضوع به زبان آنهاست.

گاهی اوقات، می‌توانید از متون مقدس از زبانی مشابه، مثلاً سواحیلی، استفاده کنید و آنها می‌توانند از آن به عنوان مبنای برای پیش‌نویس خود استفاده کنند. بنابراین، ترجمه اولیه، یک متن ساده شده است، یا متنی ترجمه شده است که مبنای برای ترجمه به زبان مادری است. بسیار خب، به هر حال، شما این پیش‌نویس اولیه را تهیه می‌کنید، و سپس اولین کاری که انجام می‌دهید این است که بررسی می‌کنید، آیا کار دقیقی انجام داده‌ایم؟ سپس، پیش‌نویس را با یک ترجمه تحت‌اللفظی، تا حد امکان تحت‌اللفظی، مقایسه می‌کنید زیرا ترجمه تحت‌اللفظی تا حد امکان به یونانی یا عبری نزدیک خواهد بود.

ESV اگر یونانی یا عبری می‌دانید، می‌توانید با عبری یا یونانی، صحت ترجمه را بررسی کنید. اگر نه، چیزی مانند را به عنوان نسخه تحت‌اللفظی انتخاب کنید تا بتوانید ترجمه خود را با آن مقایسه کنید. و اگر به NASB یا دنبال این هستید که به یاد داشته باشید صحت ترجمه چیست.

آیا چیزی را جا انداخته‌ایم؟ آیا چیزی را که نباید وجود داشته باشد اضافه کرده‌ایم؟ یا اطلاعاتی را تغییر داده‌ایم که باعث می‌شود دقیق نباشد؟ بنابراین، ما آن را بررسی می‌کنیم. و سپس شما بر اساس آن اصلاح می‌کنید. بنابراین، شما یک پیش‌نویس دوم دارید.

بعد، از یکی از اعضای تیمتان می‌خواهید که پیش‌نویس شما را بررسی کند، و آن شخص می‌گوید، باشه، این خوبه. جمله‌بندی در بیت دوم، می‌توانستم این‌طوری بگویم. در بیت سوم، می‌توانستم آن‌طوری بگویم.

آنها تمام قسمت‌های مختلف را بررسی می‌کنند. معمولاً این کار را برای یک فصل به طور همزمان انجام می‌دهید. و شاید یک نفر مسئول یک فصل باشد.

ممکن است شخص دیگری مسئول فصل دیگری باشد. اما ایده این است که آن را به یکدیگر واگذار کنید. شما کار را عوض می‌کنید، کار خودتان را با کار آنها، و کار آنها را با کار خودتان.

و بعد، شما در مورد آن بازخورد دریافت می‌کنید. و ما واقعاً نمی‌توانیم بدون بازخورد کار کنیم. ما واقعاً به بازخورد بسیاری از افراد دیگر نیاز داریم.

این اولین قدم است. و بنابراین، شما آن را تا انتها می‌خوانید. شما پیشنهادات را می‌پذیرید.

شما آن را اصلاح می‌کنید. و پیش‌نویس سوم را می‌نویسید. و بنابراین، شما اکنون سه بار آن را مرور کرده‌اید.

پیش‌نویس اولیه، اولین پیش‌نویس، سپس دقت، و بعد این. سپس، کار دیگری که انجام می‌دهیم این است که شما یک بررسی دقت دیگر اینجا انجام دهید. وقتی چیزهایی را در یک جمله یا یک بیت تغییر می‌دهید، گاهی اوقات ممکن است چیزی را از قلم بیندازید.

ممکن است چیزی را از قلم بیندازید. ممکن است چیزی را که قصد تغییر آن را نداشتید، تغییر دهید. و بنابراین، یک بررسی دقیق انجام می‌دهید.

حالا، متوجه می‌شوید که همه این دایره‌ها سبز هستند. همه این مراحل اینجا، در دفتر ترجمه اتفاق می‌افتند. این پردازش داخلی تیم، تولید داخلی تیم، بررسی داخلی تیم است.

و به یاد داشته باشید که در همه اینها چه چیزی را بررسی می‌کنیم. دقت. اما وقتی از طریق اعضای تیم با آنها صحبت می‌کنید، بررسی می‌کنیم که آیا زبان طبیعی است؟ آیا به همان روشی است که معمولاً صحبت می‌کنیم؟ آیا واضح است یا قابل فهم؟ آیا فکر می‌کنید افرادی که این را می‌خوانند، آن را درک خواهند کرد؟ باشد.

خب، رنگ سبز نشان‌دهنده‌ی تمام کارهایی است که در تیم ترجمه انجام شده است. این قبل از آن است که به کسی در خارج از تیم ارجاع داده شود. پس، شما تکالیفشان را انجام داده‌اید.

شما تا جایی که می‌توانستید دقیق بودید. و سپس، به مرحله بعدی می‌روید. و رنگ آبی نشان‌دهنده مرحله بازخورد است.

و بنابراین، اولین کاری که انجام می‌دهید چیزی است که ما آن را آزمایش جامعه می‌نامیم. خب، این به چه معناست؟ یعنی ما دو نفر را در جامعه انتخاب می‌کنیم. می‌تواند یک نفر باشد.

می‌تواند نشستن با گروهی از افراد باشد. و شما یا آن را با صدای بلند برای آنها می‌خوانید یا از شخص دیگری می‌خواهید که آن را با صدای بلند بخواند. و سپس، سوالات مربوط به محتوا را می‌پرسید.

اول از همه، می‌توانید به زبان خودتان بگویید که این به چه معناست؟ و این داستانی درباره عیسی است. او یک تمثیل می‌گوید. و شما می‌گویید، آن را به زبان خودتان بیان کنید.

عیسی چه گفت؟ و سپس، آنها آن را برای شما روایت می‌کنند. و در روایت آن، می‌توانید تشخیص دهید که آیا چیزی را از قلم انداخته‌اند؟ آیا هنگام خواندن آن را فراموش کرده‌اند؟ آیا چیزی به آن اضافه کرده‌اند که نباید آنجا باشد؟ و بنابراین، این راهی برای آزمایش این است که آیا قابل فهم است؟ و راهی برای آزمایش این است که آیا زبان طبیعی است؟ این روشی است که ما معمولاً صحبت می‌کنیم. بنابراین، این یک چیز است. آیا می‌توانید تصویر کلی از بخش‌های داستان را به دست آورید؟ سپس، ممکن است سوالی داشته باشید.

می‌دونی، ما واقعاً در مورد کلمه‌ای که باید برای غسل تعمید استفاده کنیم مطمئن نبودیم. این کلمه‌ای که ما استفاده کردیم. وقتی اون رو خوندی، آیا این کلمه رو فهمیدی؟ خب، نه، نه واقعاً.

من به جورایی ازش گذشتم. اوه، باشه. خب، کمکمون کن به کلمه خوب برای غسل تعمید پیدا کنیم.

و بنابراین، شما سعی می‌کنید از افراد جامعه بازخورد بگیرید. شما سعی می‌کنید از افراد، پیر و جوان، مرد و زن متأهل و مجرد، بازخورد بگیرید تا بتوانید تصویر خوبی از افراد جامعه به دست آورید. آیا آنها متوجه می‌شوند که ترجمه چه می‌گوید؟ بنابراین، شما سعی می‌کنید طبیعی بودن و قابل فهم بودن ترجمه را بررسی کنید.

و شما فقط با یک یا دو نفر کار نمی‌کنید. شما با هر تعداد نفری که می‌توانید کار می‌کنید تا طیف وسیعی از افراد را جذب کنید. و بعد، این یک چیز درصدی است.

اگر یک متن خاص مثلاً برای ۷۰٪ یا ۸۰٪ از مردم واضح باشد، آن را فهمیده‌اند. و شاید ۲۰٪ یا ۳۰٪ نیز آن را نفهمیده‌اند. احتمالاً مشکلی نداریم، اما یادداشتی می‌نویسیم، ممکن است لازم باشد نوعی پاورقی یا نوعی یادداشت توضیحی برای کمک به درک آنها داشته باشیم.

اگر ۵۰-۵۰ باشد، احتمالاً مشکلی وجود دارد که باید تغییر کند. بنابراین، پس از اینکه از افراد مختلف در جوامع مختلف بازخورد گرفتید، به دفتر ترجمه برمی‌گردید و دوباره آن را اصلاح می‌کنید. و متوجه می‌شوید که بله، ما باید چیزهایی را تغییر می‌دادیم زیرا این مورد به نتیجه نمی‌رسید، و بنابراین دوباره آن را تغییر می‌دهید.

و بعد، بعد از اینکه تغییر را اعمال کردید، هر بار که تغییر بزرگی ایجاد می‌کنید، همیشه دوباره دقت را بررسی می‌کنید، فقط برای اینکه دوباره بررسی کنید و مطمئن شوید. مرحله بعدی زمانی است که یک مشاور دارید تا بیاید و کار شما را بررسی کند. و من کمی بعد در مورد اینکه مشاور چیست صحبت خواهم کرد.

اما بررسی توسط مشاور زمانی است که یک فرد خارجی وارد می‌شود و ترجمه شما را بررسی می‌کند تا ببیند آیا دقیق است یا خیر. بنابراین، وظیفه اصلی یک مشاور این است که به افراد کمک کند تا از دقیق بودن متن، اطمینان حاصل کنند. و معمولاً، یک مشاور یونانی و عبری می‌داند. اگر یک مشاور به آن زبان صحبت نکند، چگونه می‌تواند این ترجمه را بخواند؟ خب، ما چیزی داریم که به آن ترجمه معکوس می‌گوییم.

بنابراین، برای مثال، فرض کنید در تانزانیا، مترجمان کتاب مقدس سواحیلی را می‌خوانند و سپس آن را به زبان خودشان، مالیلا، ترجمه می‌کنند. اگر من به زبان مالیلا صحبت نکنم، چگونه می‌توانم ترجمه آنها را بخوانم؟ خب، سپس آنها ترجمه‌ای از ترجمه خودشان را به سواحیلی به من می‌دهند. بنابراین، آنها یک ترجمه سواحیلی از ترجمه خودشان به من می‌دهند و سپس من می‌توانم سواحیلی را بخوانم و بگویم، اوه، این همان معنای متن مالیلا است.

بنابراین، ترجمه معکوس به معنای برگرداندن به زبانی است که با آن شروع کرده‌اند. و بعد از آن، اصلاحات نهایی را خواهید داشت. در برخی موارد، اگر کلیسای وجود داشته باشد، قبل از انجام اصلاحات نهایی، باید آن را نزد رهبران کلیسا ببرید و گروهی از رهبران کلیسا را در جریان بگذارید.

ما به این بررسی، بررسی توسط منتقد می‌گوییم. و شما شاید ۱۰، ۲۰ کشیش، بزرگان کلیسا، و دیگر افراد مورد احترام جامعه را انتخاب می‌کنید و با آنها می‌نشینید و ترجمه را می‌خوانید، و معمولاً یک بخش بزرگتر از ترجمه را انجام می‌دهید، مانند کل کتاب مرقس، یا هشت فصل اول مرقس. یا می‌توانید تیطوس، تیموتائوس، اول و دوم تیموتائوس را انجام دهید، و تیطوس بخش خوبی برای انجام دادن است.

شما باید همه را با هم بخوانید. و نظر آنها در مورد طبیعی بودن متن است. آیا از واژگانی استفاده می‌کنیم که معمولاً در کلیسا استفاده می‌کنیم؟ آیا از عباراتی استفاده می‌کنیم که با آنها آشنا هستیم و می‌خواهیم در ترجمه حفظ کنیم؟ بنابراین، این در واقع یا قبل از بررسی مشاور یا بعد از بررسی مشاور انجام می‌شود.

و هدف از این کار چند چیز است. اول از همه، شما بازخورد آنها را می‌خواهید، زیرا بازخورد آنها بسیار بسیار ارزشمند است. و وقتی آنها بازخورد خود را ارائه می‌دهند، تیم ترجمه بهتر است که بازخورد آنها را دریافت کند.

و با دریافت بازخورد آنها، این باعث می‌شود احساس کنند که در این ترجمه سهمی دارند، اینکه در این ترجمه کمک کرده‌اند، و این دیگر ترجمه تیم ترجمه نیست، بلکه ترجمه ماست. ما با مترجمان خود همکاری می‌کنیم. آنها آنجا سخت کار می‌کنند.

ما سعی داریم به آنها کمک کنیم. این ترجمه ماست. این زبان ماست.

این برای اعضای کلیسای ماست. و بنابراین، جلب نظر موافق منتقدان واقعاً، واقعاً مهم است. بنابراین، چه قبل از بررسی مشاور باشد و چه بعد از بررسی مشاور، باید این اتفاق بیفتد، به خصوص اگر یک جامعه مسیحی وجود داشته باشد.

اگر جامعه مسیحی وجود نداشته باشد، و من این کار را در یک جامعه غیرمسیحی انجام داده‌ام، باز هم گروهی از افراد را دور هم جمع کردم، و ما همچنان متن را بررسی کردیم و همان نوع سوالات را پرسیدیم. بنابراین، سه ویژگی اصلی ترجمه خوب ما - دقت، طبیعی بودن، وضوح و سپس قابل قبول بودن - وجود دارد. بنابراین دقت توسط مشاور بررسی می‌شود.

آنها اغلب دانش بیشتری در زمینه ترجمه و طیف وسیعی از زبان‌ها دارند. آنها احتمالاً یونانی و عبری می‌دانند، در حالی که تیم ترجمه ممکن است این اطلاعات را نداشته باشد.

آنها می‌توانند خرد و دانش بسیار بیشتری اضافه کنند زیرا سال‌ها تجربه ترجمه دارند، نه تنها در تشخیص اینکه مشکلی وجود دارد، بلکه سپس تیم ترجمه به مشاور مراجعه می‌کند. خوب، در این مورد چه باید کرد؟ این اتفاق یک بار افتاد وقتی که من با تیمی در تانزانیا مشاوره مشاوره‌ای انجام می‌دادم و یکی از مشاوران جوان ترجمه که در حال آموزش بود همراه من بود. ما کتاب تیموتی را می‌خواندیم و نوبتی کار می‌کردیم.

من یک فصل را می‌نوشتم، و بعد او یک فصل دیگر. من یک فصل را می‌نوشتم، و بعد او یک فصل دیگر. بنابراین، ما داشتیم این یک فصل را مرور می‌کردیم، و او بحث را هدایت می‌کرد، و من مشاهده می‌کردم.

آنها به این یک آیه رسیدند، و کارآموز مشاور گفت، من فکر می‌کنم این آیه معنای اصلی را منتقل نمی‌کند. سپس آنها گفتند، بسیار خوب، بیایید به آن نگاه کنیم، و بنابراین آنها به این نسخه، و آن نسخه، و آن نسخه به زبان سواحیلی نگاه کردند، و او برایشان توضیح می‌داد، این واقعاً معنای پشت این آیه است، و اگر به ترجمه شما نگاه کنیم، ترجمه شما چیزی کمی متفاوت می‌گوید. او، بسیار خوب، عالی.

بنابراین، آنها این واقعیت را پذیرفتند که این چیزی است که باید روی آن کار کنند. آنها باید آن را تغییر دهند، ویرایش کنند و متفاوت کنند، و گفتند، می‌دانید چیست، ما فقط به چیزی نمی‌رسیم. ما هیچ ایده‌ای نداریم.

ما می‌دانیم که شما گفتید چه می‌گوید، و می‌دانیم که با چه چیزی شروع کردیم، اما نمی‌دانیم چگونه آن را به این شکل بیان کنیم، و او فکر کرد، و به آن نگاه کرد، و گفت، خدای من، من هم چیزی به ذهنم نمی‌رسد. بنابراین، او گفت، جورج، آیا ایده‌ای داری؟ و من گفتم، خوب، می‌دانید، این یک زبان در کنیا است، آنها همین مشکل را داشتند، و این کاری است که آنها انجام دادند. او، باشه، بله، ما می‌توانیم این کار را به زبان خودمان انجام دهیم.

دقیقاً یکسان نیست. هرچند خیلی به هم نزدیک است. آنها یک زبان مشابه و یک خانواده زبانی مشابه داشتند، و بنابراین، نه اینکه من باهوش باشم، اما این واقعیت که من تجربه ترجمه با زبان‌های مشابه دیگر را داشتم، و روی همان کتاب کار می‌کردم، باعث شد بتوانم به نحوی کمک کنم که واقعاً به تیم کمک کند.

بنابراین، این چیزی است که مردم به دنبال مشاور هستند، آیا این توصیه در مورد چگونگی انجام یک ویرایش نهایی است که واقعاً دقیق باشد، و سپس طبیعی بودن، وضوح و مقبولیت آن را از جامعه پیدا کنیم، و ما این کار را از طریق آزمایش جامعه انجام می‌دهیم، و این کار را از طریق بررسی کنندگان، و به خصوص با بررسی کنندگان، انجام می‌دهیم، اینجاست که ما موافقت را می‌گیریم، و اگر موافقت وجود داشته باشد مقبولیت وجود دارد. بسیار خوب، پس از اینکه تمام آن بررسی‌ها انجام شد، و سپس اصلاحات نهایی انجام شد، شما تمام ویرایش‌ها را انجام می‌دهید، و از نظر ثبات بررسی می‌کنید. آیا ما هر بار همان چیز را به همان روش ترجمه کرده‌ایم؟ اگر لازم بود، و سپس شما کتاب را طراحی کردید، ویرایش شد، و سپس منتشر شد، و این فرآیند ترجمه است؟

می‌خواستم کمی در مورد اینکه چطور گاهی اوقات عمداً یک ترجمه اولیه انجام می‌دهید صحبت کنم، و ترجمه اولیه ترجمه‌ای است که اگر متن اصلی کتاب مقدس نباشد، از آن ترجمه می‌کنند و یکی از اولین کارها این است که شما یک ترجمه درون زبانی انجام می‌دهید که برای ترجمه آسان طراحی شده است. به عنوان مثال، وقتی من تازه کار را شروع کرده بودم، داشتیم کتاب پیدایش را ترجمه می‌کردیم و مترجم من در کار تازه کار بود؛ او مطمئن نبود، خدای من، چطور قرار است این کار را انجام دهم؟ چطور شروع کنم؟ خوب، ما متن را با هم می‌خواندیم، و بعد من گفتم، خوب، بگذارید من ترجمه خودم را از این پاراگراف انجام دهم، و شما هم ترجمه خودتان را از پاراگراف انجام دهید، و این کار را کردیم، و بعد یادداشت‌ها را مقایسه کردیم، و متوجه شدیم که اطلاعات من درست است، و دستور زبان او هم درست است، بنابراین مجبور شدیم آنها را با هم ترکیب کنیم، و بعد فکر کردم، خوب، چرا فقط یک انگلیسی ساده شده از این ننویسم، و در واقع گفتم، خوب، قبل از اینکه کتاب اصلی پیدایش را ترجمه کنیم، بیایید داستان‌های کتاب مقدس را در پیدایش انجام دهیم، بنابراین ما داستان‌های کتاب مقدس را انجام می‌دهیم، کمی انعطاف‌پذیری بیشتری داریم، اما بعد من این ۱۲ فصل بزرگ را در مورد زندگی ابراهیم انتخاب کردم، و گفتم، باشه، بیایید در مورد این بخش از زندگی ابراهیم صحبت کنیم، و یک انگلیسی ساده شده نوشتیم، زیرا وقتی فصل را خواندیم، درست همانطور که از کتاب مقدس بود، او به سرعتی که دوست داشت اطلاعات را دریافت نمی‌کرد، بنابراین من یک انگلیسی ساده شده نوشتیم، و او گفت، اوه، باشه، فهمیدم، و بنابراین ما از آن انگلیسی ساده شده استفاده کردیم تا آن را به اورما زبانی که قرار بود به آن پردازیم، ترجمه کنیم، و این شد خیلی سریع‌تر، آن وقت دیگر نیازی به آن مرحله میانی که من نقش خودم را ایفا می‌کردم، نداشتیم، نقش من تولید انگلیسی بود، بنابراین ما تمام مراحل زندگی ابراهیم را به انگلیسی انجام دادیم، تمام مراحل زندگی اسحاق و یعقوب، و تمام مراحل زندگی یوسف را به انگلیسی انجام دادیم، و آن مدل انگلیسی به روند ترجمه این داستان‌های کتاب مقدس کمک کرد، بنابراین ترجمه اولیه همین است، پس کار را آسان‌تر می‌کند، از چه چیزی شروع کنیم؟ درون‌زبانی، بنابراین اگر به زبان سواحیلی می‌خواندیم، یک سواحیلی ساده شده داشتیم که می‌توانست بعداً با ترجمه تطبیق داده شود. این روش دیگری، برای تهیه پیش‌نویس اول است، بنابراین اگر به پیش‌نویس اول نگاه کنید، و نوشتن چیزی واقعاً سخت باشد به صفحه خالی نگاه می‌کنید و فکر می‌کنید، چطور می‌توانم فصل اول انجیل مرقس را ترجمه کنم، و گاهی اوقات آن صفحه خالی دلهره‌آور است، به آن نگاه می‌کنید، و این مترجمان ما را می‌ترساند، دیگران را نیز می‌ترساند، نه فقط مترجمان ما، بلکه می‌تواند دلهره‌آور باشد، و بنابراین این یک راه برای نوشتن چیزی روی کاغذ است تا آنها بتوانند با آن کار کنند، بنابراین سعی می‌کنید واژگان مناسب را به دست آورید.

یکی از چیزهایی که شما روی آن کار می‌کنید این است که جملات چقدر طولانی هستند، و اگر به رساله‌های پولس نگاه کنید، جملات حدود ۱۰ آیه طول می‌کشند، مثل یک جمله است، و شما می‌گویید، رفیق، این خیلی زیاد است، و خوب، ما باید چه کار کنیم؟ ما باید آن را تجزیه کنیم، و بنابراین برای تولید یک ترجمه اولیه، جملات را تجزیه می‌کنید و آنها را به طول معقولی می‌رسانید، و مطالعات نشان داده است که در اکثر زبان‌ها، جملات، وقتی مردم فقط به طور طبیعی صحبت می‌کنند، یا داستانی یا چیزی شبیه به آن را تعریف می‌کنند، حدود ۱۰ تا ۱۵ کلمه هستند. حالا، ما به طور جدی شمارش لوبیا را انجام نمی‌دهیم، اوه، این ۱۴ کلمه است، اشکالی ندارد، این ۱۵ کلمه است، این ۱۶ کلمه حاشیه‌ای است، این خیلی زیاد است، نه، اما این یک تقریب تقریبی است، این یک ترجمه اولیه است، شما معمولاً طول جملات مناسب را می‌سازید، می‌توانید

دستور زبان را ساده کنید، و می‌توانید مفاهیم را با هم خلاصه کنید، و در صورت لزوم می‌توانید اطلاعات بیشتری برای وضوح اضافه کنید، بنابراین برای مثال، اگر دارید، آنها به اردن رفتند، و این چیزی است که متن می‌گوید، اردن چیست؟ رود اردن، بنابراین کلمه رود را به آنجا اضافه می‌کنید. آیا چیزی را به متن اضافه می‌کنید که نباید آنجا باشد؟ نه، شما دارید شفاف‌سازی می‌کنید، و بنابراین می‌توانید اطلاعاتی مانند این یا شهر ناصره، به جای ناصره، را اضافه کنید، بنابراین می‌توانید این کار را در ترجمه اولیه انجام دهید، و سپس این به مترجمان کمک می‌کند، و سپس لحن، لحن این متن چیست، و لحن می‌تواند بسیار مهم باشد، و اگر لحن را اشتباه بفهمیم، شاید ترجمه پیام اشتباهی را منتقل کند. منظور ما از لحن چیست؟ خوب، شما در فیلم‌های دارید، آن را می‌خوانید، و پولس در آیات ۷ و ۸ می‌گوید، برای من بسیار مناسب است که در مورد شما اینگونه فکر کنم زیرا شما را در قلب خود دارم، شما را دوست دارم، من با شما آنجا بودم، ما با هم خیلی سخت کار کردیم، شما حتی زمانی که در زندان بودم از من حمایت می‌کردید، و می‌توانید بگویید که کل لحن نامه، لحن یک دوست برای افرادی است که او به آنها اهمیت می‌دهد.

پولس به غلاطیان، فصل ۳، آیه ۱ می‌نویسد، ای غلاطیان نادان، که شما را افسون کردید تا این مزخرفات را باور کنید، می‌توانید، کی بود، باشه، پس او می‌رود و فقط به او طعنه می‌زند، باشه، پس ما در آن مرحله کلمات را ترجمه نمی‌کنیم، ما علاوه بر محتوای پیام پولس، لحن پیام پولس را نیز ترجمه می‌کنیم، بنابراین هنگام آماده‌سازی این ترجمه اولیه، این را در نظر داریم، و سپس وقتی به مراحل دیگر ترجمه می‌رویم، هنوز این را در نظر داریم، این یک بخش سرزنش‌آمیز تند از نامه است، ممکن است کل نامه نباشد، اما حداقل آن بخش از این، چگونه قرار است آن را ترجمه کنیم تا افرادی که امروز آن را می‌خوانند، متوجه شوند که پولس واقعاً از این افراد ناراحت بوده است، چیزی که باید در نظر داشته باشید، و نمی‌دانم که آیا آن را از ابتدا تماشا کرده‌اید یا نه، اما هنگام ترجمه چیزهای زیادی را باید در نظر داشته باشیم، چیزهای زیادی که باید در نظر داشته باشیم، چیزهای زیادی که باید از آنها آگاه باشیم و باید مراقب آنها باشیم. خوب، بگذارید در مورد بررسی مشاور صحبت کنم، این بررسی در مرحله بازخورد نهایی اتفاق می‌افتد، مشاور معمولاً یک ویراستار ارشد است، یا مانند یک ویراستار ارشد عمل می‌کند، و به تیم کمک می‌کند تا یک پیش‌نویس خوب تهیه کند، آنها سعی می‌کنند متن را با خواننده متناسب کنند، بنابراین برای مثال، اگر شما داستان‌های کتاب مقدس را تولید می‌کنید، می‌خواهید داستان‌های کتاب مقدس با افرادی که داستان‌های کتاب مقدس را برایشان می‌نویسید مطابقت داشته باشند، بنابراین برای مثال، اگر داستان‌های کتاب مقدس را برای کودکان می‌نویسید، مشاور می‌خواهد به تیم در مورد طول جمله، آیا جملات با هم هماهنگ هستند، آیا می‌توانیم کلمات اضافی را حذف کنیم، آیا می‌توانیم دستور زبان را ساده کنیم، آیا می‌توانیم جریان بین پاراگراف‌ها را بررسی کنیم، آیا می‌توانیم به کل داستان به عنوان یک کل نگاه کنیم و مطمئن شویم که کل داستان به خوبی با هم هماهنگ است و یک سیر فکری منطقی در کل داستان وجود دارد، این برای یک داستان است، اگر یک روایت باشد، این یک چیز است، اگر رساله‌های پولس باشد، احتمالاً این کار را برای کودکان انجام نمی‌دهیم، اما بررسی می‌کنیم و از همان نوع سوالات می‌پرسیم سوالات، بنابراین وقتی این کار انجام شد، تیم دوباره به سراغ طرح اولیه می‌رود و سعی می‌کند توصیه‌های مشاور را اجرا کند تا بتواند ترجمه‌ای با کیفیت بهتر ارائه دهد، بنابراین در این رابطه مشاور معلم انگلیسی نیست که برگه شما را با خودکار قرمز علامت بزند، مشاور آنجاست تا به تیم کمک کند تا الف (بهتر بفهمند، ب (به زبان خود به خوبی ارتباط برقرار کنند، و ج (اصول ترجمه مناسب را در صورت لزوم به کار گیرند، تا بتوانند به یک متن خوب دست یابند، و بنابراین این همان چیزی است که در بررسی مشاور اتفاق می‌افتد، بسیار خوب، پس بگذارید همین جا متوقف شوم.

این دکتر جورج پیتون در تدریس خود در مورد ترجمه کتاب مقدس است. این جلسه ۴، مراحل ترجمه است.